



چهارشنبه 20 آبان 1394 - 07:28

پادوهای دیروز جریان نفوذ عبرت امروز

جریان نفوذ تنها مربوط به امروز نیست و نگاهی به گذشته نه چندان دور و سوابق نفوذی‌های دیروز که امروز آشکارا در خدمت اهداف و برنامه‌های دشمنان ایران هستند، عبرتی است برای کسانی که آگاهانه یا ناآگاهانه خطر نفوذ را جدی نمی‌گیرند.

کیهان بررسی می‌کند

پادوهای دیروز جریان نفوذ عبرت امروز

جریان نفوذ تنها مربوط به امروز نیست و نگاهی به گذشته نه چندان دور و سوابق نفوذی‌های دیروز که امروز آشکارا در خدمت اهداف و برنامه‌های دشمنان ایران هستند، عبرتی است برای کسانی که آگاهانه یا ناآگاهانه خطر نفوذ را جدی نمی‌گیرند.

این روزها یکی از مسائل مهم در مباحث سیاسی کشور، موضوع نفوذ است. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که رهبر معظم انقلاب بارها نسبت به آن هشدار داده و ابعاد مختلفی از این تهدید را گوشزد کرده‌اند. ایشان حدود دو ماه پیش در این خصوص فرمودند: «از همه مهم‌تر، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی است. دشمن سعی می‌کند در زمینه فرهنگی، باورهای جامعه را دگرگون کند؛ و آن باورهایی را که توانسته این جامعه را سرپا نگه دارد جابه‌جا کند، خدشه در آنها وارد کند، اختلال و رخنه در آنها به وجود بیاورد. خرجها می‌کنند؛ میلیاردها خرج می‌کنند برای این مقصود؛ این رخنه و نفوذ فرهنگی است.

نفوذ سیاسی هم این است که در مراکز تصمیم‌گیری، و اگر نشد تصمیم‌سازی، نفوذ بکنند. وقتی دستگاه‌های سیاسی و دستگاه‌های مدیریتی یک کشور تحت تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت، آن وقت همه تصمیم‌گیری‌ها در این کشور بر طبق خواست و میل و اراده مستکبرین انجام خواهد گرفت؛ یعنی مجبور می‌شوند. وقتی یک کشوری تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور، جهت‌گیری آن کشور در دستگاه‌های مدیریتی، بر طبق اراده آنها است؛ آنها هم همین را می‌خواهند.»

ماجرای نفوذ سابقه‌ای بس طولانی دارد و تنها معطوف به جمهوری اسلامی ایران نیز است و قدرتهای استکباری در ادوار مختلف، با توجه به شرایط کشورها و اهداف خود، درصد نفوذ بوده‌اند. 37 سال پیش انقلاب اسلامی شاه‌رگ نفوذ آمریکا در ایران را قطع کرد هرچند آنها دست از تلاش و توطئه برنداشتند و اهداف خود را با روش‌های جدید پی گرفتند. قطع اصلی‌ترین مجرای نفوذ آمریکا پس از انقلاب اسلامی، به وسیله تسخیر لانه جاسوسی در 13 آبان 58 از چنان اهمیتی برخوردار بود که حضرت امام(ره) از آن بعنوان انقلاب دوم یاد کردند. نگاهی به حدود چهار دهه عمر جمهوری اسلامی نشان می‌دهد این دوران همواره صحنه تلاش آمریکا و دشمنان برای نفوذ و مبارزه جریان مومن و انقلابی برای جلوگیری و خنثی‌سازی این تلاش بوده است.

دهه هفتاد به دلایل مختلف که جای شرح آن در این گزارش نیست، یکی از پرچالش‌ترین دوران در این زمینه است. دوره‌ای که نفوذ به سطوح میانی مدیریتی نیز سرایت کرد و البته خساراتی برای کشور به دنبال داشت. غائله کور 18 تیر یکی از نمودهای بارز این چالش بود که نفوذی‌ها در عرصه مطبوعات، برخی نهادهای دولتی، مراکز فرهنگی و دانشگاهی آن را ترتیب دادند.

در دوره اخیر نیز دشمن بهترین راه برای رسیدن به اهداف خود را پروژه نفوذ می‌داند. آمریکایی‌ها به خوبی می‌دانند بدون صاف شدن جاده به دست یک جریان نفوذی داخلی، امکان رسیدن به اهداف درباره جمهوری اسلامی ایران در حد صفر است. نفوذی‌ها ماموریت دارند چهره منفور آمریکا را در افکار عمومی بزرگ کنند. آمریکایی که کارنامه‌اش پر از پرونده‌های جنایت و خیانت به ملت ایران است باید به آمریکایی بشردوست، اهل تعامل و مذاکره، دارای منافع مشترک با ایران و... تبدیل شود. اینجاست که نفوذ فرهنگی به عنوان مهم‌ترین خطر مطرح می‌شود و رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «تمرکز دشمنان بر روی فرهنگ بیشتر از همه جا است. چرا؟ به‌خاطر همین تأثیر زیادی که فرهنگ دارد. هدف و آماج تحرک دشمنان در زمینه فرهنگ، عبارت است از ایمان مردم و باورهای مردم. مسئولان فرهنگی، باید مراقب رخنه فرهنگی باشند؛ رخنه‌های فرهنگی بسیار خطرناک است؛ باید حساس باشند، باید هوشیار باشند.»

نگاهی به سوابق نفوذی‌های دیروز نیز نشان می‌دهد اغلب آنها در مصادر و امور فرهنگی مشغول به فعالیت بوده‌اند چرا که اساساً تا نفوذ فرهنگی انجام نشود، راه برای سایر اشکال نفوذ اعم از سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... باز نخواهد شد. نفوذ فرهنگی حساسیت‌ها را نسبت به دشمن کم کرده و راه را برای نفوذ و ورود باز می‌کند. فهرست نفوذی‌های دیروز که امروز رسماً

به اردوگاه دشمن پیوسته‌اند و آشکارا جیره‌خوار آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی شده‌اند، طولانی‌تر از آن است که در یک گزارش بگنجد. آنچه در ادامه می‌خوانید مشتتی از این خروار است. نگاهی گذرا و کوتاه به تعدادی از نفوذی‌های دیروز که تا سطح وزیر و معاون وزیر نیز پیش رفتند، نشان می‌دهد خطر نفوذ موضوعی انتزاعی و ذهنی نیست و بدون شک امروز هم ابعاد آن گسترده‌تر از چند رسانه و خبرنگار است و رسانه‌های دنباله‌رو دشمن در داخل، تنها قطعه‌ای از پازل نفوذ هستند. از انجمن حجتیه تا سروش کفر

عبدالکریم سروش: حسین حاج فرج دباغ مشهور به عبدالکریم سروش که پیش از انقلاب به دلیل حضور در دبیرستان علوی با انجمن حجتیه آشنا شده بود در اوایل دهه 50 شمسی برای تحصیل در رشته شیمی تجزیه عازم لندن شد و همزمان به مطالعه فلسفه غرب پرداخت. سروش پس از انقلاب از جمله کسانی بود که به عنوان نماینده جریان اسلامی جامعه و انقلاب در مباحثات تلویزیونی با مارکسیست‌ها شرکت می‌کرد. سروش پس از تعطیلی دانشگاه‌ها عضو ستاد انقلاب فرهنگی شد ولی بعدها به دلیل هجمه اصلاح‌طلبان منکر حضور فعال در این ستاد شد. وی که زمانی با استفاده از فلسفه تحلیلی به نقد مارکسیسم پرداخته بود بعدها به نقد اسلام و دین روی آورد. سروش اوایل دهه 70 طی مقالاتی با حمله به فقه اسلامی زمینه را برای مخالفت‌های بعدی با ولایت فقیه فراهم ساخت.

سروش که در سال 74 و در دولت هاشمی از تدریس در دانشگاه‌ها محروم شده بود عازم اروپا و آمریکا گردید تا با مؤسسات و دانشگاه‌های غربی همکاری کند. سروش در سال 2004 به خاطر نقد اسلام جایزه اراسموس را در آمستردام هلند دریافت کرد و سال 2009 از سوی مجله فارین پالیسی به عنوان یکی از ده روشنفکر جهان برگزیده شد! وی در سال 84 ابتدا از معین و سپس هاشمی حمایت کرد و در سال 88 نیز از حامیان مهدی کربوبی بود. سروش پس از انتخابات در حمایت از فتنه تا نفی مبانی اسلام پیش رفت. بسیاری معتقدند او از تشیع خارج شده و حتی با اسلام مشکلات شدیدی پیدا کرده است. وی در فتنه 88 یکی از اعضای اتاق فکر جنبش به اصطلاح سبز شد.

گفتنی است سروش در زمان مدیریت خاتمی بر کیهان به ارائه مقاله به نشریه کیهان فرهنگی پرداخت و با تغییر مدیریت آن به کیان رفته و در آنجا به تربیت فکری گروهی پرداخت که سودای کسب قدرت در سر داشتند. وی سال‌ها است که از ایران رفته و در آمریکا زندگی و تدریس می‌کند و مورد حمایت محافل ضد دین قرار دارد.

اکبر پونز

اکبر گنجی: متولد نازی‌آباد تهران که در این محله با سعید حجاریان و عباس عبدی آشنا شد. در دوران انقلاب از فعالین خیابانی بود که به دلیل مطالعات پراکنده در آثار مختلف گروه‌های چپ و اسلامی سازشکار و غربگرا یا التقاطی در بی‌ثباتی کامل فکری فرو رفت. وی در ابتدای پیروزی انقلاب از افرادی بوده که زنان بدحجاب را در خیابان‌ها مورد ضرب و شتم قرار می‌داده و به این دلیل به اکبر پونز معروف است. وی که در اوایل تأسیس سپاه عضو این نهاد مقدس شده بود به دلیل مخالفت با امام و جنگ و تمرد در شرایط جنگی به مجازات شدیدی محکوم شد که با وساطت منتظری این مجازات منتفی و وی از سپاه اخراج شد. گنجی مدتی در دهه 60 رابط فرهنگی سفارت ایران در ترکیه بوده و با اعضای نهاد اطلاعات نخست‌وزیری از جمله سعید حجاریان رابطه داشت. گنجی در اوایل دهه 70 به حلقه کیان پیوست تا در این حلقه به شخصی‌سازی دین و مبارزه با مذهب و اسلام مشغول شود. با پیروزی خاتمی در خرداد 76 گنجی فعالیت شدید مطبوعاتی را با مطبوعات جریان موسوم به اصلاحات آغاز کرد.

گنجی در جریان رویدادهای پس از خرداد 76 به اتهام‌زنی علیه نظام اسلامی و حوزه‌های علمیه ادامه داد و پیش از دستگیری و محاکمه در آذر 79 در کنفرانس ننگین برلین حضور یافت. گنجی پس از بازگشت و با شکایت دادستانی در نهایت به 6 سال حبس محکوم و در زندان مواضع وی رادیکال‌تر گردید. گنجی در زندان با استفاده از رانت نظام انواع اهانت‌ها به جمهوری اسلامی و رهبر معظم انقلاب روا داشت. گنجی در زندان با حمله به اسلام از جمهوری تمام عیار یا جمهوری سکولار حمایت کرد. وی پس از پایان دوره محکومیت به خارج از کشور رفته و تاکنون بازنگشته است. در طول مدتی که وی در اروپا و آمریکا بود جایزه‌هایی از نهادهای مختلف غربی دریافت کرد. گنجی در مقالات قرآن محمدی (ص) قرآن را کلام انسان دانست و در مقالاتی دیگر وجود مقدس امام زمان را منکر و در مقالات بعدی خود از لواط و همجنس‌گرایی حمایت کرد! گنجی در فتنه 88 عضو حلقه فکری جنبش به اصطلاح سبز بود. با این حال وی بعدها اعتراف کرد که در انتخابات تقلب نشده است.

طلبه قم مسافر هلند

مهدی خلجی: متولد قم و دانش‌آموخته حوزه علمیه تا دوره خارج بوده و پدرش با آیت‌الله منتظری رابطه داشته است. وی مدت‌ها شاگرد منتظری بوده است. خلجی پس از خروج از کشور به همکاری با رادیو فردا پرداخت. وی به عنوان پژوهشگر اسلامی با رادیو فردا و نیز بی‌بی‌سی رابطه داشته و دارد. این القاب بیشتر به منظور قراردادن وی در جایگاهی است که به مبانی تشیع حمله کرده و مخاطبان خود را نسبت به ارزش‌های دینی و اخلاقی متزلزل نماید. خلجی با گروه رسانه‌ای سازمان یافته از سوی هلند برای مقابله با مبانی فکری نظام همکاری نزدیک داشته است. خلجی پیش از اینکه به بی‌بی‌سی و سپس رادیو فردا بپیوندد در روزنامه انتخاب مدیر بخش اندیشه بود. وی هم اکنون در مؤسسه ضدایرانی واشنگتن فعالیت می‌کند. خلجی با مراکز پژوهشی ضد ایرانی دیگری در واشنگتن رابطه نزدیک دارد.

خبرنگار ناشی

بیژن صف‌سری: از روزنامه‌نگاران ضعیف و تازه‌کاری بوده است که در جریان پروژه جریده‌سازی اصلاح‌طلبان در سال‌های 75 تا 84 به این عرصه وارد شد و بدون آنکه تخصص و توان کافی برای چنین کاری را داشته باشد. مهمترین حضور وی در عرصه

مطبوعات کشور به عنوان صاحب امتیاز روزنامه آزاد و سردبیر روزنامه صدای عدالت بوده است. وی به دنبال تخلف مطبوعاتی و اقدام علیه امنیت ملی کشور مدتی را در زندان گذراند اما در سال 1382 با وساطت خاتمی رئیس جمهور وقت آزاد شد. وی بعد از آزادی و پس از مدتی کشور را ترک کرده و به همکاری با رسانه‌های معاند روی آورد. وی چندی پیش در مطلبی در رادیو فردا اعتراف کرد که جنبش به اصطلاح سبز شکست خورده و به بن بست رسیده است.

ضد انقلاب کاسب

رجبعلی مزروعی: از اوایل دهه 70 شمسی با آغاز فعالیت در روزنامه سلام تبدیل به عنصر مسئله‌دار با نظام شد. وی در عین حال که از طریق فعالیت در بخش دولتی ارتزاق می‌کرد و از همین طریق سرمایه قابل توجهی اندوخته است به فعالیت خود در جهت تخریب مبانی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی هم مشغول بود. مزروعی پس از خرداد 76 و پیروزی دولت اصلاحات به اقدامات ضد انقلابی خود شدت داد و با راه‌اندازی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران پایگاهی را برای همکاری با محافل بین‌المللی مشکوک و وابسته به سرویس‌های جاسوسی غرب مهیا کرد. وی از اوایل سال 84 بنا را بر تخریب ارکان و ماهیت نظام گذاشت. از جمله نکات مطرح درباره مزروعی ارتباطات مشکوک او با محافل بیگانه است. وی زمانی که در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران فعالیت می‌کرد با استفاده از امکانات آن سفرهایی به خارج از کشور داشت. وی پس از فتنه 88 متواری و سپس به صورت غیرقانونی از کشور خارج و سر از بلژیک درآورد.

شیخ آمریکایی

محسن کدیور: محسن کدیور متولد فسا و دانش‌آموخته برق و الکترونیک از دانشگاه شیراز بوده که پس از انقلاب برای تحصیلات دینی وارد حوزه علمیه قم می‌شود. مهمترین استاد وی در حوزه آیت‌الله منتظری بود. کدیور همچنین در دانشگاه و در رشته فلسفه و کلام اسلامی تحصیل و به اخذ مدرک دکتری از دانشگاه تربیت مدرس در سال 1378 نائل آمد. وی که امیدوار بود در زمره شاگردان منتظری و پس از رسیدن نامبرده به رهبری به مقامات عالی نائل شود با عزل منتظری توسط امام در این هدف ناکام مانده و به تدریج مواضع خود علیه اسلام و انقلاب را علنی ساخت. کدیور در سال 77 به دلیل تحریک دانشجویان برای اغتشاش و نفی اسلامیت نظام به اتهام فعالیت تبلیغی و نشر اکاذیب به حکم دادگاه ویژه روحانیت 18 ماه زندانی گردید. وی از سال 70 به مدت 8 سال معاونت اندیشه اسلامی مرکز تحقیقات استراتژیک را عهده‌دار بوده است. کدیور پس از خرداد 84 از کشور خارج و به مواضع ضد دین و انقلابی خود شدت بخشید. مرور مواضع و رفتارهای کدیور دقیقاً نشان دهنده جریانی است که از ابتدای انقلاب تنها با هدف دستیابی به قدرت و مصادر اصلی و تصمیم‌گیرنده کلان در کشور تلاش کرد خود را به کانون‌های احتمالی قدرت در آینده نزدیک کند. حضور کدیور در زمره شاگردان آیت‌الله منتظری و عدم مخالفت وی با ولایت فقیه در دهه 60 و شروع این مخالفت‌ها با عزل منتظری و شدت یافتن آن با آغاز زعامت آیت‌الله خامنه‌ای را باید در این جهت ارزیابی کرد.

یک روانی

فرشته قاضی: که به عنوان روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر در میان اپوزیسیون حضور دارد در 7 آبان ماه 1383 در رابطه با پرونده سایت‌های اینترنتی بازداشت شد. وی به گفته خودش دچار امراضی روحی و روانی است و حتی توانایی زندگی با همسرش را ندارد. بیماری روحی و روانی او باعث شد که نتواند فعالیت روزنامه‌نگاری را ادامه دهد لذا به استراحت پرداخت اما در جریان فتنه 88 ناگهان وارد عرصه مطبوعات شد و از طریق توئیتر به ارائه گزارش‌های غیر واقعی از کشور مبادرت ورزید. به هر روی فرشته قاضی هم مانند سایر اعضای شبکه رسانه‌ای وابسته به بیگانگان از ایران خارج شد و به همکاری با نشریات و پایگاه‌های اینترنتی علیه جمهوری اسلامی ایران ادامه داد. وی در خارج از کشور علاوه بر حمله به نظام اسلامی به حمایت از بهائیان پرداخته است.

نماینده فراری

نورالدین پیرمؤذن: نماینده اصلاح طلب اردبیل در مجالس ششم و هفتم که در مجلس هشتم رد صلاحیت شد. وی هم اکنون در آمریکا مشغول فعالیت علیه جمهوری اسلامی است. وی در آمریکا از مؤسسات آموزشی این کشور فرصت‌های به ظاهر مطالعاتی دریافت کرده بود و هر چند مدعی بود که بعد از پایان این فرصت مطالعاتی به ایران بازخواهد گشت، ولی حدود 6 سال است که از پایان فرصت مطالعاتی نامبرده گذشته ولی پیرمؤذن به ایران بازنگشته است. پیرمؤذن سخنگوی اقلیت اصلاح‌طلبان مجلس هفتم بود. پیرمؤذن که نتوانسته است در مجالس هشتم و نهم به فعالیت‌های سابق خود ادامه دهد در نامه‌ای به مجلس شورای اسلامی حمله کرده و از هیچ توهین و فحاشی به جمهوری اسلامی دریغ نکرده است.

کشف حجاب در برنامه ماهواره‌ای

فریبا داوودی مهاجر: روزنامه‌نگار اصلاح طلب فراری که سردبیر انجمن روزنامه‌نگاران جوان و عضو مرکزی کمیته سازمان به اصطلاح مدافعان آزادی مطبوعات ایران بوده است. وی همچنین عضو شورای عالی ادوار دفتر تحکیم وحدت بوده است. از او مقالاتی در نشریات و رسانه‌های زنجیره‌ای و ضد انقلاب داخل و خارج کشور چون روزآتلاین، اعتماد، یاس نو و گویانیوز منتشر شده است. وی فروردین ماه 86 به دلیل حضور در آشوب‌های خیابانی به 4 سال زندان محکوم شد. داوودی مهاجر که در یک خانواده بی‌قید نسبت به شعائر اسلامی رشد کرده بود سرانجام پس از خروج از کشور به اصل خود بازگشت و در برنامه ماهواره‌ای پارازیت کشف حجاب کرد.

نفوذی در آموزش و پرورش

فاطمه حقیقت‌جو: فعال سیاسی و نماینده اصلاح‌طلب دوره ششم مجلس بود. وی مدرس دانشگاه تهران بوده و 10 سال سابقه در پست‌های امور تربیتی و مشاوره آموزش و پرورش داشته است. وی همچنین دو دوره عضو شورای مرکزی سازمان غیرقانونی (دفتر تحکیم وحدت) بوده است. حقیقت‌جو از جمله نخستین نمایندگان مجلس ششم بود که در جریان استعفای دسته‌جمعی، استعفایش پذیرفته شد. حقیقت‌جو به بهانه تحصیل از کشور خارج شد و به محض ورود با اعطای بورسیه از جانب دولت آمریکا مورد لطف غرب قرار گرفت، در دوران فتنه 88 نقش بارزی برای ایجاد کمپین‌های ضد ایرانی ایفا کرد.

پناهنده به بی‌بی‌سی فارسی

علی‌اصغر رمضانپور: در دوره وزارت احمد مسجدجامعی در دوران اصلاحات به عنوان معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران فعالیت می‌کرد، در حالی که مراکز اطلاعاتی و امنیتی سوابق سوء نامبرده را مکرراً متذکر شده بودند. وی همچنین مدتی سردبیر روزنامه زنجیره‌ای آفتاب امروز بود و مسئولیت رئیس نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران را نیز در کارنامه خود دارد. وی پس از فرار به انگلستان مانند بسیاری از همقطاران خود به خدمت شبکه بی‌بی‌سی درآمد و در حال حاضر در رسانه‌های بیگانه فارسی‌زبان، مشغول فعالیت ضد نظام می‌باشد. رمضانپور همسر خویش را مجبور به کشف حجاب کرد و تصویر وی را در صفحه فیس بوک خود منتشر کرد که این اقدام با اعتراض رسانه‌ها مواجه شد.

مفسر متوهم فرهنگ غرب

عبدالعلی بازرگان: وی دومین فرزند از میان پنج فرزند مهدی بازرگان است و سابقه همکاری با جبهه ملی، نهضت آزادی و همچنین جنبش مسلمانان مبارز را که به اتخاذ مواضع تند ضد نظام جمهوری اسلامی شهرت دارد در کارنامه کاری خود داراست. با این حال مطبوعات حامی دولت اصلاحات محل تاخت و تاز امثال او بود. وی بعد از فتنه 88 با ارائه مطالب گزنده و موهن و با سوءاستفاده از متون دینی به نفی ماهیت انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن پرداخت. وی براساس گرایش‌های نهضت آزادی به ارائه تفسیرهای نادرست و منطبق بر آموزه‌های فرهنگ غربی از مفاهیم اسلامی و شیعی می‌پردازد. بازرگان بعد از فتنه 88 با توان هر چه تمام تلاش کرد تا به مقدسات ملت ایران، انقلاب و ولایت فقیه حمله‌ور شود.

نفوذی یواشکی

مسیح علی‌نژاد: معصومه علی‌نژاد قمی معروف به مسیح علی‌نژاد فعالیت خبرنگاری خود را از سال 78 در روزنامه همبستگی آغاز کرد و پس از آن به خبرنگاری در خبرگزاری ایلنا پرداخت. وی بارها مطالب موهن و ضد آرمان‌های انقلاب در روزنامه‌های شرق، بهار، وقایع التفاقیه درج کرده بود و زمانی که به عنوان خبرنگار پارلمانی ایلنا در مجلس فعالیت می‌کرد به دلیل دسترسی غیرقانونی به اسناد مجلس، از خانه ملت اخراج شد. وی در سال 84 از مصطفی معین حمایت کرد و سپس از کشور خارج شد. علی‌نژاد در دوران فتنه 88 نیز مواضع تندی را علیه موضوعات مختلف اتخاذ کرد که بعضاً ماهیت انقلاب و نظام و حتی اسلام را مورد حمله و توهین قرار می‌داد.

عطاءالله مهاجرانی: مهاجرانی در کارنامه کاری خود مسئولیت‌هایی همچون نمایندگی مجلس، رایزن فرهنگی ایران در پاکستان، معاون رئیس جمهور، عضویت در هیئت امنای خبرگزاری ایرنا، معاونت فرهنگی مرکز تحقیقات استراتژیک، وزیر فرهنگ و ارشاد دولت اصلاحات و ریاست مرکز گفتگوی تمدن‌ها را داشته است. وی در حوزه سیاسی ابتدا به تلویح و سپس به صراحت علیه ولایت فقیه موضع‌گیری کرد و در مقاطع مختلف ضد رهبر معظم انقلاب موضع گرفته است. وی بعد از برکناری از وزارت ارشاد، مسئولیت مرکز گفتگوی تمدن‌ها را با بودجه کلان به دست گرفت و در پی فضاحت‌های جنسی از کشور خارج شد و به انگلیس پناه برد و در آنجا روند ضد نظام خود را به غایت افزایش داد. داستان مهاجرانی درمیانه نگارش کتاب برضد سلمان رشدی مرتد انگلیسی و تبدیل شدن به عامل انگلیس و آل سعود از عبرت‌های ماندگار است.

بی‌ادب مدعی اصلاحات

مجتبی واحدی: واحدی بیش از هر چیز دیگری به عنوان مقاله‌نویس، روزنامه‌نگار و مشاور ارشد مهدی کروبی شناخته می‌شود ولی در کارنامه کاری خود سردبیری روزنامه آفتاب یزد و معاونت وزارت امور اقتصادی و دارایی را نیز دارد. وی پس از فتنه 88 از کشور گریخت و از لندن سردبیری آفتاب یزد را ادامه داد. واحدی در حال حاضر در آمریکا به عنوان سخنگوی ارشد مهدی کروبی با فتنه‌گران فراری و همچنین اپوزیسیون برانداز و محافل اطلاعاتی و صهیونیست علیه جمهوری اسلامی فعالیت می‌کند. وی بعد از فتنه 88 و بعد از خروج از کشور نظام را مورد تخطئه قرار داد و خط حضرت امام(ره) را نیز نفی کرد.

رابط ساواک؛ مزدور بی‌بی‌سی

مسعود بهنود: بهنود فعالیت خود را به عنوان یک روزنامه‌نگار از سال 42 آغاز کرد. وی در تاریخ ایران همواره از جمله مزدوران نان به نرخ روز خور به شمار می‌رفته چرا که پیش از انقلاب ارتباط نزدیک با طاغوت و دستگاه جاسوسی پهلوی یعنی ساواک داشت و پس از انقلاب نیز به خدمت اربابان غربی خود درآمد. بهنود پس از جنگ تحمیلی و زمانی که در ایران به سر می‌برد به کرات در مدح و ثنای سردار سازندگی سخن‌سرایی کرده بود تا بتواند خود را به محافل قدرت نزدیک کند و در دوران اصلاحات نیز با نشریات زنجیره‌ای همکاری می‌کرد. وی از سال 81 از کشور خارج شد و تاکنون با شبکه بی‌بی‌سی فارسی همکاری می‌کند.

کاتب هتاک خاتمی

بابک داد: وی در سال 76 خبرنگار ستاد انتخاباتی محمد خاتمی بود و بعد از آن سفرنامه‌های او به فرانسه و ایتالیا را در قالب کتاب‌هایی نوشت و به همین دلیل به عنوان کاتب مخصوص خاتمی معروف شد. بابک داد بعد از فتنه 88 در زمره فتنه‌گران به آشوبگری و تحریک مردم برای تظاهرات خیابانی روی آورد و در معرض دستگیری قرار گرفت که بعد از آن از کشور گریخت. در

حال حاضر وی در سایت‌هایی مانند گذار، گویا، رادیو زمانه، رادیو فردا و صدای آمریکا فعالیت دارد. مهم‌ترین ویژگی وی در فضای رسانه‌ای، مهارت در فحاشی و هتاکی است. اغلب نوشته‌های این فرد حاوی مضامین موهن و ضد اسلامی، ضد نظام، ولایت فقیه و فرهنگ ایرانی است.

فمینیست حامی همجنس‌گرایی

مهرانگیز کار: وی از جمله حقوقدانان و فعالان سیاسی است که سابقه حضور در کنفرانس برلین همراه افرادی همچون گنجی و لاهیجی را دارد. وی بعد از بازگشت به ایران روانه زندان شد و سپس به بهانه درمان بیماری به خارج از کشور مهاجرت کرد. عمده فعالیت مهرانگیز کار معطوف به مباحث حقوقی و به ویژه مسائل زنان است و در این محدوده وی مواضع فمینیستی تندی حتی در حد تجویز و ترویج همجنس‌گرایی اتخاذ نموده است. پس از فتنه 88 این فرد صراحتاً علیه مبانی دینی و شرعی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران و حتی روحیه و هویت فرهنگی مردم ایران دیدگاه‌هایش را مطرح کرد.

قلم به مزد روزآنلاین

نوشابه امیری: امیری فعالیت خود را قبل از انقلاب با روزنامه‌نگاری، دوبلوری و گویندگی آغاز کرد. وی که از فعالان مطبوعات جریان موسوم به اصلاحات بود به محض خروج از کشور توسط احسان نراقی جهت انجام کارهای فرهنگی به کار گرفته شد و سپس به همکاری با رسانه‌های اپوزیسیون و مخصوصاً نشریه الکترونیکی روز آنلاین روی آورد. هزینه رسانه روز آنلاین توسط فرح کریمی و در چهارچوب حمایت از اپوزیسیون و ساماندهی بخش رسانه‌ای براندازی نرم تامین می‌شود. پس از فتنه 88 امیری به همراه همسر و دیگر روزنامه‌نگاران فراری با تمام توان علیه نظام جمهوری اسلامی قلم زد و مکرراً به اعتقادات اسلامی مردم ایران اهانت کرد.

این افراد تنها بخشی از اجزای فاش شده اجرای پروژه نفوذ در دهه هفتاد هستند. با دقت در رخداد‌های این دوره به مهره‌های سوخته دیگری همچون شیرین عبادی، محمدمحسن سازگارا، مرتضی کاظمیان، رضا علیجانی، ابراهیم نبوی، اردشیر امیرارجمند، محسن مخملباف، یوسفی‌اشکوری، علی‌اکبر موسوی‌خوئینی‌ها، سینا مطلبی، فرناز قاضی‌زاده و... برمی‌خوریم که هر یک در جای خود نمونه‌ای از واقعیت غیرقابل انکار تلاش دشمن برای نفوذ در رسانه‌ها به منظور اجرای سناریوهای براندازی بوده‌اند. در آینده به برخی دیگر از این موارد خواهیم پرداخت.